

شهادت سردار سلیمانی، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه‌ی دنیا کشید. عذّهای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده -البته عذّهای هم سعی می‌کنند که این اتفاق بیفتد- اما شهادت او نشان داد که انقلاب زنده است؛ دیدید چه خبر شد در تهران؟ دیدید چه خبر شد در شهرهای دیگر؟

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

به‌ما پیوندید MOSTAGHELATU



ویژه نامه شهادت سردار سلیمانی و رحلت علامه مصباح یزدی(ره)

● ۱۳ دی ماه ۱۳۹۹ رحلت علامه محمد تقی مصباح یزدی(ره)
● ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ شهادت سپید حاج قاسم سلیمانی

در مسیر تمدن اسلامی

گریزی بر نقش سردار سلیمانی و علامه مصباح یزدی در تحقق تمدن نوین اسلامی

محمدصادق عباسی

دبیر نشریات

شورای مرکزی انجمن



طلوعی دوباره

و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس می‌رسید. آوازه دانش و پیشرفتش گوش جهانیان را کر کرده بود و حتی تا قرن‌ها بعد از آن نقل محافل انسانها به عنوان تمدن عظیم انسانی شده بود.

۱۳ قرن گذشت. باری دیگر پرچم اسلام به دست مردی افتاد که قدرت‌های پوشالی در نزد او پشیزی ارزش نداشته و حقیرند. این شخصیت حکیم از دهه ۴۰ نهضتی را به پا کرد که کمتر از بیست سال بعد آن، توانست حکومت طاغوتی دوران را کنار بزند و حکومتی نو بر مبنای ارزش‌های الهی تشکیل دهد. بعد از انقلاب و تشکیل نظام نیز، در پی تشکیل دولت اسلامی به کارگزاری متعهد و متخصص نیاز است که در کار خود خبره‌اند. علاوه بر آن، با اخلاص و تقوا مسئولیت خود را به نحو احسن انجام می‌دهند. مسئولانی با روحیه جوان و انقلابی که مرز نمی‌شناسد و تهدید را مبدل به فرصت می‌کند. آری اگر دولتی با چنین کارگزاری بر سر کار آید زمینه برای نهادهای و عملی کردن دین در جامعه فراهم می‌شود. پس از آن می‌توان فرهنگ جامعه اسلامی این گوهر گرانقدر را به جوامع دیگر تعمیم داد. این جوامع با هم یک مدینه فاضله‌ای را تشکیل می‌دهند که انسان‌ها را به کمال الهی می‌رسانند. این مسئله پیدایش تمدن اسلامی مسئله‌ای دفعی نیست، بلکه تدریجی و تاریخی است. تمام پیامبران الهی در آرزوی

آن بوده‌اند. ایشان برای رنج‌هایی بس فراوان متحمل شده و خون دل‌ها خورده‌اند.

دو بال تمدن نوین اسلامی

آری فراموش نکنیم که دو چیزی که این آرمان‌شهر را محقق می‌کند یکی علم است و دیگری ایمان. در این میان کسانی مثل علامه مصباح غلم علم را برداشته و به تبیین و تقویت ارزش‌های اسلامی اهتمام جدی دارند. ایشان امروزه نقش شهید مطهری به عنوان تئوریسین انقلاب را در روزهای آغازین انقلاب را ایفا می‌کنند و آرمان‌های انقلاب را گسترش می‌دهند. از طرفی سردار سلیمانی به عنوان پرورش یافته مکتب اسلامی عامل اقتدار بازدارنده تمدن اسلامی است. او کسی است که بدون ادعا توانست شجره‌ی خبیثه داعش را طواغیت جهان به رهبری آمریکا غرس کرده بودند ریشه کن کند. البته تمدن اسلامی به طور کامل در دوران ظهور حضرت مهدی(عج) است اما امروزه نیز ما جلوه‌ای از تمدن اسلامی را در حج یا پیاده‌روی اربعین مشاهده می‌کنیم که مجموعه‌ای از فضائل و معارف در کنار هم جمع شده‌اند. در این دوره است که بشر می‌تواند خدای یکتا را عبادت کند؛ راه او را طی کند و از همه ظرفیت‌های و استعدادهای خود به نحو احسن استفاده کند.

«همانا خداوند متعال با بعثت پیامبر اکرم بر ما مؤمنین منت نهاده تا به وسیله او، انسان‌ها به ویژه باتقوایان را تزکیه و تعلیم دهد.» همچنین ارزش‌های والای الهی را بر روی زمین محقق سازد. از جمله این ارزش‌ها معنویت، عدالت، استقلال و رفع فساد است که انبیا در طول تاریخ در پی زدودن جهل، ظلم و کفر از جوامع انسانی و پر کردن آن از قسط و عدل بوده‌اند. حضرت رسول اکرم(ص) نیز در ادامه مسیر انبیای الهی، ۱۳ سال در مکه سعی و مجاهدت نمود. همچنین برای نهادهای سازشی این گوهرها و فضائل، در مدینه النبی یا یثرب سابق حکومتی بر مبنای دین الهی تشکیل داد. [این حکومت نبوی] در کمتر از نیم‌قرن قلمرو دو قدرت بزرگ آن روز؛ ایران و روم را در نوردید. یک‌قرن پس از آن، تمدنی عظیم و درخشان پدید آورد که از شرق به دیوار چین



علامه مصباح، مصباحی برای علم انسانی

گذری بر اقدامات علامه مصباح، جهت نوآوری در علوم انسانی

روژین رضایی

عضو فعال

دانشکده الهیات

در راستای نوآوری در علوم انسانی با توجه به اقدامات علامه مصباح در این زمینه تصمیم بر این شد که یک‌مصاحبه با حجت الاسلام دکترعلی مصباح داشته باشیم .

با توجه به ضرورت اهمیت اسلامی‌سازی علوم انسانی، علامه مصباح در ایجاد نوآوری در علوم انسانی چه کارها و اقداماتی را انجام دادند؟

حجت‌الاسلام علی مصباح: آیت الله مصباح یزدی پیش از انقلاب دغدغه مسائل علوم انسانی را داشتند. از زمانی که در مدرسه حقانی شهید بهشتی و شهید قدوسی مدیریت مدرسه را به عهده داشتند بعضی از دروس علوم انسانی را جزو درس‌های طلاب قرار داده بودند و در آنجا تدریس می‌شد. بعد از انقلاب هم حضرت امام دستور دادند که برای بازسازی علوم انسانی از حوزه‌ها کمک گرفته بشود. از طرف جامعه مدرسین، آیت الله مصباح معرفی شدند که درس اسلامی‌سازی علوم انسانی را به عهده بگیرند. ایشان یک مجموعه‌ای را به نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تشکیل دادند که در آنجا برای تدوین متون درسی برای رشته‌های علوم انسانی برنامه‌ریزی شد. مدتی آنجا کار انجام شد که بعدها به دلایلی آن کار نیمه کاره ماند. دولت‌ها همکاری نکردند و آن کار به سر انجام مطلوبش نرسید. بعد از آنکه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ناتمام ماند، آیت الله مصباح پیش از انقلاب در بخش آموزشی رشته‌های علوم انسانی را برای طلاب راه‌اندازی کرد. [ایشان] طلبه‌هایی را که معمولاً در سطوح بالای دروس حوزوی بودند جذب می‌کرد تا در علوم انسانی هم متخصص بشوند. در بستر همکاری حوزه و دانشگاه عده‌ای از اساتید دانشگاه و حوزه مباحثه می‌کردند. اینها بعد از جلساتی در خدمت حضرت آیت الله مصباح جمع بندی می‌شد. مجموعه آن بحث‌ها به صورت جزواتی تدوین می‌شد که قرار بود آن جزوات مبنای تدوین متون دانشگاهی برای آن رشته ها قرار

بگیرد. آن جزوات قاعدتاً در همان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که بعدها به اسم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ادامه کار دادند قرار دارد.

چه نوع از رشته های علوم انسانی به صورت تخصصی کار می‌شد؟

ابتدا رشته‌های فلسفه، روانشناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، حقوق و علوم سیاسی که به دلیل اینکه آن برنامه گنجایش همه این برنامه را نداشت یک‌مجموعه دیگری را به نام بنیاد فرهنگی باقرالعلوم تأسیس کردند که این رشته‌های تخصصی در آنجا ادامه پیدا کرد و گسترش پیدا کرد تا بعدها در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی اینها تجمیع شد. الان این رشته‌ها به پانزده رشته گسترش پیدا کرد. خیلی کارها در این مؤسسه گسترش پیدا کرده و همان طوری که از پنج رشته به پانزده رشته رسیده است فارغ التحصیلان زیادی را حدود چند هزار دانش پژوه و فارغ التحصیل داشته است. در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری، هدف این است کسانی که در علوم اسلامی تسلط دارند و در حد اجتهاد هستند در علوم انسانی هم تخصص پیدا کنند، صاحب نظر باشند و بتوانند دیدگاه‌های اسلام را در این زمینه‌ها تحقیق کنند و تبیین کنند.

آیا منابع و اساتید غربی که در دانشگاه‌های علوم انسانی و در رأس آن دانشگاه علامه طباطبائی وجود دارد مثلاً آن کجاست؟ راهکار آن چیست؟ آیا باید کتب غربی به کل کنار گذاشته بشود؟

علی مصباح: نظر آیت الله مصباح رضوان‌الله مخالف این بود که ما باید نظرات دیگران را آشنا باشیم. نباید خودمان را جدا کنیم و حرف‌های دیگران را نشنویم بلکه باید حرف‌های آنها را هم بشنویم. منتهی افراد را به گونه‌ای تربیت کنیم که بتوانند حرف درست را از نادرست تشخیص بدهند و آنچه را که نظر اسلام هست بتوانند در موضوعات و مسائل علوم انسانی تحقیق کنند.

با توجه به نظر آیت الله مصباح برای اسلامی‌سازی علوم انسانی چه راهکاری باید ارائه بدهیم؟

مصباح: کسی که می‌خواهد این علوم را از زاویه اسلامی بررسی بکند اول باید مبانی فکری اسلامی‌اش در حد قابل قبولی محکم و استوار باشد بعد باید مبانی فکری غربی را مثل مرجعیت روانشناسی یا جامعه‌شناسی غربی بررسی بکند. اگر این نظریه در جامعه‌شناسی داده شده بر اساس چه مبنایی بوده و آن مبانی را بتواند از نگاه عقلی و اسلامی بررسی و نقادی بکند اگر مبانی درست بود بپذیرد اگر مبانی غلط بود مبانی‌اش را نقادی بکند و به جایش مبانی درست را بتواند از زاویه نگاه اسلامی تبیین بکند. سپس می‌تواند وارد مسائل آن علوم شود و بر اساس مبانی صحیحی که حالا گاهی به اسم فلسفه علوم انسانی است- فلسفه اقتصاد، فلسفه جهان‌شناسی هم مطرح می‌شود- مبانی نظریات را تشکیل بدهد و بتواند بر اساس آن مبانی صحیح مسائل را یک به یک حل بکند. این یک‌کار قطعاً یک‌سال و دو سال نیست. یک‌پروسه طولانی می‌طلبند. همان طور که این علوم و نظریاتی که امروز در آن مطرح است حاصل ۳۰۰، ۴۰۰ سال کار غربی‌ها با مجموعه عظیمی از دانشگاه‌ها و دانشمندان از سراسر دنیا است. این مسائل باید یک به یک از زاویه نگاه اسلامی تحلیل بشود، نقادی بشود و بر اساس مبانی اسلامی این پاسخ داده بشود.

چه موانعی برای نوآوری در علوم انسانی وجود دارد؟

مصباح: ارتباطات متأسفانه علیرغم این امکاناتی که امروز وجود دارد به خوبی در این زمینه و در این جهت استفاده نشده است. یک‌مقداری هم به خاطر تنگ نظری‌ها و بعضی از نگاه‌های یک سونگر که متأسفانه بعضی از جوامع دانشگاهی، برنامه‌ریزان و تصمیم گیرندگان سطح بالای کشور وجود دارد آن نگاه علوم انسانی اسلامی را ندارند. گاهی هم به آن به چشم یکی رقیب و یک امر غیر واقعی نگاه می‌کنند.

آیا ظرفیت منابع بومی به کار گرفته شده است؟

مصباح: طرح این مباحث در حد مجامع علمی مدت‌هاست که یک‌کنگره علوم انسانی اسلامی در سطح بین المللی برگزار می‌شود. همایش‌ها و کتاب‌ها و مقالات را اشاره کردم که در این زمینه کم نیست. اگر منظور اجرایی‌شدن نظریات و پیاده‌شدن در سطح کلان برنامه ریزی کشور باشد این نیاز دارد به کسانی که در آن سطح هستند این مسائل را جدی بگیرند. متأسفانه در آن زمینه‌ها ما مشکل زیاد داریم و کمبودهای زیادی در آن زمینه است.

توجه به رنگ، نژاد و ملیت باهم متحد ساخت. همچنین رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند که «در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است.»

بر همین اساس حاج قاسم نزدیک به بیست و پنج‌سال در سپاه قدس و جبهه مقاومت تلاش کرد و نقش بسیار مؤثری را در تحقق امت واحدہ ایفا کرد. به همین دلیل از ایشان نه فقط به عنوان فرمانده‌ای ایرانی بلکه به عنوان فرمانده‌ای فرامرزی یاد می‌شود. به نقل از یکی از کارشناسان آمریکایی طی تحولات ۲۰۱۱، جبهه مقاومت به فرماندهی سردار سلیمانی، «محور مقاومت» را تبدیل به «جریان مقاومت» و در نهایت تبدیل به «اتحاد مقاومت» کرد. نقش حاج قاسم در پیروزی‌های جبهه مقاومت در مبارزه با استکبار جهانی باعث شده است که از ایشان به عنوان نمادی از مبارزه با تروریسم در جهان مطرح شود. تمامی این مسائل باعث شد که در میدان جنگ و رو در رو نتوانند با ایشان مواجه شوند و بزدلانه در خاک بغداد او را ترور کردند.

مکتب سلیمانی

سردار حاج قاسم سلیمانی را نمی‌توان فقط به عنوان یک شخصیت دید بلکه باید ایشان را به عنوان یک مکتب دید؛ مکتبی که برخاسته

از اخلاص بود. او هم شجاع بود هم با تدبیر. بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. ایشان علاوه بر اهمیت به مسائل نظامی به معنویات هم بسیار توجه داشتند. نتیجه تمامی این مسائل این شد که حتی دشمنانشان هم ایشان را تحسین می‌کردند. تبیین و تقویت این مکتب یکی از مهمترین کارهایی است که می‌توان برای شناخت و معرفی ایشان به عنوان الگویی حسنه نه تنها در ایران بلکه در جهان انجام داد.

پاسدار مقاومت

روایتی از نقش پررنگ حاج قاسم در محور مقاومت

مینا اصل‌یگی



دبیر

دانشکده علوم اجتماعی

به تازگی مسابقات جام جهانی فوتبال به پایان رسیده است. یکی از اتفاقات جالب و مورد توجه این مسابقات به اهتزاز درآمدن پرچم کشور فلسطین در بازی‌های مختلف بود. در طول جام جهانی امسال ما شاهد حمایت گسترده مردم کشورهای مختلفی همچون قطر و مراکش از فلسطین بودیم که خواستار آزادی این کشور بودند. همچنین شاهد انزجار تماشاچیان کشورهای مختلف از رژیم غاصب صهیونیستی بودیم. یکی از تأثیرگذارترین عوامل در حمایت گسترده از فلسطین چه در ایران و چه در مجامع جهانی، تلاش‌های سپاه قدس و جبهه مقاومت بود که در این بین نقش پررنگ شهید سردار سلیمانی را می‌توان به وضوح احساس کرد.

امت واحدہ اسلام

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی تشکیل امت واحدہ است. متأسفانه امروزه ما شاهد متفرق بودن امت اسلامی هستیم و باید برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی تمام امت اسلامی را بدون





خورشید پنهان

معرفی کتاب نظریه سیاسی اسلام

فاطمه شیرکانی

عضو فعال

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی



کتاب «نظریه سیاسی اسلام»، کتاب ارزشمندی حول محور نظریه اسلام در باب حکومت و سیاست است. این کتاب در دو جلد توسط حجت الاسلام والمسلمین کریم سبحانی از مجموعه سخنرانی‌های آیت الله مصباح یزدی به رشته تحریر درآمده که جلد اول شامل ۳۲۰ صفحه و ۲۵ بخش و جلد دوم شامل ۳۰۳ صفحه و ۲۵ بخش است. جلد اول کتاب به سؤالات مهمی که در ذهن خواننده است از جمله دخالت دین در سیاست، انواع حکومت‌ها، برخورد شرق و غرب با انقلاب اسلامی و جایگاه سیاست در دین و... پاسخ می‌دهد. در جلد دوم آن، خواننده به ضرورت وجود حکومت و وظایف حکومت و... پی می‌برد.

برشی از کتاب

در فرهنگ غربی، دین از جامعیت برخوردار نیست و به گونه‌ای تعریف می‌شود که عرصه‌های مسائل اجتماعی و سیاسی را در بر نمی‌گیرد. دین تنها بیانگر رابطه انسان با خدا و ترسیم کننده رابطه شخصی و فردی با خداوند است. از این منظر، مسائل اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی و روابط بین دولت و مردم و دولت‌ها با یکدیگر از حوزه رابطه انسان با خداوند خارج است و در نتیجه بیگانه با دین است. از نگاه مسلمانان، دین از جامعیت برخوردار است. همه مسائل فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد و شامل روابط انسان با خدا، انسان با انسان‌های دیگر و تمام عرصه‌های مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی می‌شود؛ چون از منظر اسلام خداوند حاکم بر جهان و انسان است. بنابراین، عرصه سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت، مدیریت و سایر مسائلی که به زندگی انسان ارتباط دارد، زیر مجموعه احکام و ارزش‌های دین است.

رسالت نظریه سیاسی اسلام از زبان نویسنده

این کتاب در ۲ جلد با عنوان‌های «قانون‌گذاری» و «کشورداری» چاپ شده است. این کتاب مجموعه سخنرانی‌های آیت الله مصباح یزدی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران است. یکی از اهداف برگزاری نماز جمعه آشنایی بیشتر مؤمنان با مبانی و مسائل اسلامی و افشای توطئه‌های سیاسی- فرهنگی منافقان و دشمنان اسلام است تا مردم مسلمان آمادگی فکری لازم را برای دفاع و پاسداری از سنگره‌های عقیدتی کسب کنند. همان‌گونه که حضرت استاد در مقدمه فرموده‌اند، مقصود از فلسفه سیاسی اسلام، تبیین نظریه اسلام در باب حکومت و سیاست است. از آنجا که موضوعات این زمینه بسیار گسترده است، ناچار باید مباحثی گزینش شود که بیشتر مورد نیاز جامعه است.

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۱۳-۱۳۹۹ش) فقیه، فیلسوف، مفسر قرآن و از اندیشمندان و اساتید حوزه علمیه قم بود. ریاست مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی انقلاب فرهنگی و ریاست شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت از سوابق ایشان است. وی آثار متعددی درباره علوم اسلامی از جمله تفسیر، فلسفه، اخلاق و معارف اسلامی دارد. «آموزش فلسفه» و «آموزش عقاید» متن درسی مراکز حوزوی و دانشگاهی است و به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. «معارف قرآن»، «اخلاق در قرآن»، «نظریه سیاسی اسلام» و «نظریه حقوقی اسلام» از جمله آثار ایشان است.



ولایت‌ا...

بررسی عقلی ولایت مطلقه فقیه

فاطمه صداقت

عضو فعال

دانشکده علوم ارتباطات



جدایی دیانت از سیاست با اهداف عظیم انبیاء و امامان معصوم (ع) که به دنبال تشکیل حکومت به عنوان یک امری سیاسی بوده‌اند همخوانی ندارد. ائمه معصومین در طول عمر خود در حال مبارزه‌ی حاد سیاسی بودند یعنی تلاش برای ایجاد حکومت الهی.

حاکم با نشانه

هر حکومتی برای اجرا کردن مقررات باید یک چارچوب‌بندی داشته باشد. در حکومت اسلامی، بحث ولایت مطرح است. ولایت یعنی به هم پیوستگی بین ما، خدا، پیامبران و ائمه معصوم(ع). درغیاب ائمه باید این پیوستگی با ولی جامعه اتفاق افتاده و روز به روز محکم‌تر شود. در جامعه‌ی اسلامی بالاترین ولایت، ولایت الهی است. برای اینکه ولایت خدا در جامعه محقق شود باید کسی این ولایت را از طرف خدا به عهده بگیرد و نمونه‌ای ضعیف‌تر از آن ولایت را در جامعه پیاده کند. گاهی خدا ولی را با نام مشخص کرده مانند امامان معصوم (ع) گاهی با توجه به زمان‌هایی خاص مانند عصر غیبت ولی را با نشان مشخص می‌کند. پس حاکمی که این نشانه‌ها را از سمت خدا دارد مشروعیت یافته و مردم با انتخاب کردنش به او مقبولیت خواهد داد. گاهی مردم با توجه به امیال نفسانی، جهالت و ... می‌خواهند فردی طاغوتی بر جامعه حکومت کند اما خداوند اجازه‌ی انحراف جامعه‌ی اسلامی را نمی‌دهد. در اینجا مردم‌سالاری دینی مطرح می‌شود. مردم تا جایی اجازه‌ی انتخاب دارند که دین اجازه بدهد.

اطلاق بی حد و یقف!

یکی از آن معیارهای مهم این است که امام و پیشوای جامعه باید فقیه باشد. در عصر غیبت، فقیه عادل جامع شرایط، حاکم جامعه است. این ولایت، ولایت فقیه است. بر اساس نظریه ولایت فقیه، اختیار همه امور جامعه اسلامی به دست ولی فقیه است. از آنجایی که حکومت ولی فقیه همان حاکمیت الهی است. بعد از خداوند، حاکم در رأس نظام اسلامی قرار می‌گیرد که باید بر تمام شئون نظام، ولایت و نظارت داشته باشد تا از مدار دین خارج نگردد. تمامی اختیارات معصوم(ع) به ولی فقیه اطلاق می‌شود. ولایت مطلقه فقیه یعنی ولی می تواند با توجه به موازین شرعی تصمیمات لازم را گرفته و دستورات لازم را اجرا کند. ولایت فقیه در راستای ولایت الهی است. هر جا که فقه ورود پیدا کند، ولایت فقیه هم می‌تواند وارد شود و این به معنای ولایت مطلقه فقیه است.

هر چه پیش آید خوش آید یا هر چه خوش آید پیش؟

در جهان حکومت‌های عدیده‌ای مبنی بر افکار مختلف وجود دارد اما در انتخاب حکومت(هر چه پیش آید خوش آید) منطقی نیست، بلکه بشر باید در تکاپوی بهترین نوع آن باشد. انسان اشرف مخلوقات است و از مواهب ارزشمند بسیاری برخوردار است. حال باید بتواند از این موهبت‌ها بهره برده و راهی را پیش بگیرد که به تعالی برسد. برای اینکه دستورات الهی به خوبی انجام شود نیاز است حکومتی باشد تا بتواند مقررات اسلامی را در بطن جامعه پیاده کند. نکته‌ی قابل توجه آن است که برخی‌ها فکر می‌کنند اسلام دینی فردی است و به مسائل اجتماعی و سیاسی کاری ندارد. بر خلاف نظر برخی مغرضان، دین تمامی ابعاد زندگی افراد را در بر می‌گیرد. اسلام، مسلکی اجتماعی است. پس نمی‌توان فقه اجتماعی را نادیده گرفت. فقهی که تنها با وجود فضایی سالم محقق می‌شود.



رهروان جاده عشق

چند قطره از دریای زندگی شهید سلیمانی و علامه مصباح

فاطمه اسلامی

عضو فعال

دانشکده مدیریت و حسابداری



زمانی که دفتر ایران را ورق می‌زنیم، شاهد حضور انسان‌های بزرگ و فداکاری هستیم که صفحات، تحمل عزتشان را نداشته‌اند و مجبور به سر خم کردن در برابر نامشان شده‌اند. تکیه‌گاه‌هایی بودند که شاید زمینه‌ی فعالیت و میدان نبردشان فرق کند، ولی هدفشان مشترک و مقدس است و آن هدف، مبارزه و تلاش برای سربلندی جمهوری اسلامی ایران است.

سرداری جامانده از واقعه کربلا

شهید حاج قاسم سلیمانی، کسی بود که شهید به دنیا آمد، شهید زندگی کرد و شهید از دنیا رفت. لباس‌های خاکی شده در سنگرها را به کت‌وشلوارهای مارک‌دار پشت میز ترجیح داد. خرابه‌هایی که داعش در سوریه و عراق بوجود آورده بود را به جای برج‌های امارات و آمریکا برای سپری کردن روز و شب‌ها انتخاب کرد. تصمیم گرفت حرف‌هایش را در میدان نبرد بزند تا اینکه این کار را در فضای مجازی انجام دهد. عملیات‌های او با حضورش رنگ واقعیت داشت، نه مثل کسانی که حضورشان رنگ دروغ و سودجویی می‌دهد؛ و چقدر تفاوت است بین مردان میدان و مردان مجازی...! ایرانی‌ها باید به خودشان افتخار کنند، چرا؟ چون به قول رهبر انقلاب «مردی از میان آنها از



یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند، به چهره‌ی درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می‌شود».

صاحب‌نظر مسائل اساسی اسلام

علامه مصباح یزدی، بزرگ‌مردی بود که جهادش رنگ و بوی علمی فرهنگی داشت. علامه همانطور که برای آموختن تلاش می‌کردند، برای تربیت شاگرد نیز بسیار مصمم بودند. این مجاهد، نظریه‌پردازی کم‌نظیر در فلسفه اخلاق، هستی‌شناسی، دین‌شناسی و فلسفه اجتماع بود. علامه مصباح و شهید سلیمانی در زندگی پرافتخار خود، اشتراکاتی داشتند. مهم‌ترین آنها «ولایت‌مداری» و «اخلاص» است که از سراسر زندگی‌شان دریافت می‌شود. ولایت‌مداری آنها باعث شجاعت و کارآمدی در عرصه‌ی فعالیت و موجب نفوذشان در قلب ملت بود. آیت‌الله مصباح در مسیر تکلیف‌مداری و ولایت‌مداری هیچ ترسی از هیچ‌کسی و هیچ جریانی نداشت. به بهترین شکل بصیرت و میثاق با ولایت را در عرصه‌ی اندیشه، فکر و نظر تبیین کرد. مقام معظم رهبری درباره‌ی طرح ولایت که مبدع آن علامه مصباح است، می‌گویند: «و به نظر من این طرح بایستی فراگیر بشود. این جور طرح‌ها آن‌قدر مفید، خوب و سازنده است که هرچه درباره‌ی آن سرمایه‌گذاری بشود، به نظر من زیاد نیست». ولایت‌مداری حاج قاسم نیز بارها در شرایط مختلف نشان داده شده بود. در تمامی صحنه‌های بحرانی و سرنوشت‌ساز نظام ایشان در کنار ولایت بوده و ماهیت مخالفان ولایت را برای همگان روشن می‌کرد. وصیت‌نامه‌ی او گویای اوج ولایت‌مداری این شهید است.

کار برای رضای خدا

از جمله ویژگی‌های بارز علامه مصباح، اخلاص و کار برای رضای خدا بود. آنجایی که تکلیف خود را می‌شناخت به درستی به آن عمل می‌کرد و از هجمه‌ها و تخریب‌ها واهمه‌ای نداشت. به راستی کسی که اخلاص نداشته باشد، چطور می‌تواند این همه سال، این طعنه‌ها و فشارهای رسانه‌ای و غیررسانه‌ای را تحمل کند و دم برنیاورد؟ وی یکی از مبارزان اصلی در برابر انحرافات فکری و عقیدتی برای ترویج نظریه «اسلام منهای روحانیت» بود. در خلوص نیت حاج قاسم هم هیچ شکی وجود نداشت؛ چرا که تنها کسی می‌تواند به این اندازه از فداکاری و شجاعت برسد که عملش فراتر از این

در پایان سال ۲۰۱۴ به بهانه مبارزه با داعش، بار دیگر این پایگاه در اختیار نظامیان آمریکایی حاضر در ائتلاف بین المللی ضد داعش قرار گرفت. خروج کامل آمریکا از منطقه به معنای خروج نظامی و سیاسی آن است که منظور ما از انتقام سخت را می‌رساند. پس از شهادت حاج قاسم، حضور نظامیان آمریکایی در عراق و افغانستان به نسبت قبل کمتر شده به واسطه هشدارهایی که ترامپ از جانب ایران دریافت کرده است.

بخش مراقبت های ویژه ICU

ترس و وحشت از انتقام حاج قاسم به گونه‌ای بود که وزارت خارجه آمریکا برای محافظت از جان دو مسئول وقت خویش حاضر به تحمل و پرداخت ۲ میلیون دلار شد. تأمین امنیت مایک پمپئو و برایان هوک چنان وحشتی ایجاد کرده بود که ۲۴ ساعت تحت مراقبت‌های شدید امنیتی قرار داشتند. نهادهای امنیتی آمریکا خود اذعان می‌کنند پس از ترک کابینه دولت، همچنان تهدیدها علیه آنها نه تنها ثابت مانده بلکه تشدید هم شده است. پمپئو و هوک از حامیان سرسخت فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران بودند.

پیگیری تا حصول نتیجه؟

به گزارش کمیته حقیقت یاب عراقی که پس از شهادت سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس و یاران شهیدش در عراق شروع به کار کرد، در ساعت ۳۷ دقیقه بامداد صدای سه انفجار در اطراف فرودگاه به گوش رسید. در ساعت ۴۵ دقیقه بامداد اولین دستگاه‌های امنیتی خود را به محل حادثه رسانده‌اند و بعد از بررسی‌ها مشخص شده

دنیا، بلکه برای رضای خدا باشد. چه کسی می‌تواند نشستن بر روی سنگ را به نشستن روی صندلی و قدم زدن در چند قدمی دشمن را به نشستن در کنار خانواده ترجیح دهد؟ شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله مصباح و شهید سلیمانی از شهرت فراری بودند، لذا به دنبال این نبودند که نامشان مطرح شود. مقام معظم رهبری درباره‌ی ا خلاص حاج قاسم

می‌فرمایند: «هروقت جلسه‌ای که ما غالباً با همین مسئولین مختلف که ارتباط یا کار با او داشتند، داشتیم جلسات رسمی معمولی- حاج قاسم یک گوشه‌ای می‌نشست که اصلاً دیده نمی‌شد. آدم گاهی اوقات می‌خواست بداند یا استشهاده کند، باید می‌گشت تا او را پیدا می‌کرد؛ خودش را جلوی چشم قرار نمی‌داد، تظاهر نمی‌کرد.» در مصاحبه رسانه‌ای که درباره‌ی جنگ ۳۳ روزه منتشر شد، سردار سلیمانی تقریباً بیشتر روزهای جنگ را در بیروت در کنار سیدحسن نصرالله و عماد مغنیه بودند و جلسات سه‌نفره داشتند. یکی از نکات مهم مصاحبه، انتساب همه موفقیت‌ها و طرح‌ها به سیدحسن و شهید مغنیه بود.

خواستیم عشق را وصف کنم، یاد سرداری افتادم که بدون چشم‌داشتی برای حفاظت از جان خواهران و برادران و فرزندان خود، در سرزمین غریب جانش را فدا کرد. خواستم عالم را توصیف کنم یاد علامه‌ای افتادم که نه از آموختن خسته می‌شد و نه از آموزش دادن برای دفاع از راه حق از چیزی واهمه نداشت. خواستم ایران را معرفی کنم، دیدم ایران یعنی سرزمین مردمانی که هیچگاه از مبارزه کردن علیه ظلم و تلاش برای سربلندی ایران اسلامی، خسته نمی‌شوند. اگر رضایت خداوند و ولایت‌مداری را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهیم، کار نتیجه خواهد داد؛ ان شاء الله.

همه کسانی که در هر دو خودرو بوده‌اند به شهادت رسیده‌اند. در ایران نیز عباسعلی کدخدایی موظف به پیگیری حقوقی و بین المللی پرونده ترور سردار سلیمانی شد. وی از سمت وزیر امور خارجه کشورمان به عنوان رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی ترور حاج قاسم منصوب گردید. اما قابل توجه است که تاکنون چرا خبری از انتقام سخت نیست؟ چرا ابعاد مختلف این ماجرا شفاف نشده است؟ پیگیری این مسئله به کجا رسیده است؟ آن انتقام سختی که همگان منتظرش هستند، چه زمانی به وقوع خواهد پیوست؟ قاتل و آمر شهید سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند، این وعده رهبر انقلاب است.



فرمانده سایه

روایتی از انتقام سخت

مریم رجبی

دبیر آموزش

شورای مرکزی انجمن



حمله تروریستی دولت وقت آمریکا به خودروی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرآغازی بر یک التهاب بود. ابومهدی المهندس و دیگر همراهان سردار نیز مورد هجوم بزدلانه نیروهای آمریکایی قرار گرفتند. نقش شهید حاج قاسم سلیمانی در برابر داعش و نیروهای تکفیری در منطقه خاورمیانه آنقدر مسجل است که وقتی حرم امامین عسکریین علیهم السلام در محاصره داعش قرار گرفت، سپهبد سلیمانی وارد منطقه شد و توانست در مدتی کوتاه، داعشی‌ها را مجبور به عقب نشینی کند و سامرا را از چنگ آنها نجات داد.

سربازان بی کلاه آمریکایی

وعده فرمانده کل سپاه، سردار سلامی خطاب به دشمنان ایران به تلافی ترور شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس در اولین مرحله با حمله موشک‌های بالستیک ایرانی به پایگاه نظامی عین الاسد تحقق یافت. عین الاسد پایگاهی است که در سال ۲۰۰۳ تفنگداران آمریکایی آن را اشغال کردند و تا سال ۲۰۱۱ آنجا ماندند.

شناسنامه نشریه

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول: محمدشاهد چرخکار | سردبیر و ویراستار: محمدصادق عباسی | صفحه‌آرا: نرگس محمدی‌دوست

هیئت تحریریه: فاطمه اسلامی، مبینا اصلی‌بیگی، مریم رجبی، روزین رضایی، فاطمه شیرکانی، محمدصادق عباسی